

غزل شماره ۳۴۷

صنما با غم عشق تو چه تدبیر کنم؟

تا به کی در غم تو ناله بشکیر کنم؟

دل دیوانه از آن شد که نصیحت شنود

مگرش هم ز سر زلف تو زنجیر کنم

آن چه در مدت بجز تو کشیدم هیات

در یکی نامه محال است که تحریر کنم

با سر زلفِ تو مجموعِ پریشانی خود

کو مجالی که سراسر همه تقریر کنم؟

آن زمان کارزوی دیدنِ جانم باشد

در نظر نقشِ رخِ خوبِ تو تصویر کنم

گر بدانم که وصالِ تو بدین دست دهد

دین و دل را همه در بازم و توفیر کنم

دور شوازم برم ای واعظ و پیوده گوی

من نه آنم که در کوش به تزویر کنم

مست امید صلاحی ز فسادِ حافظ
چون که تقدیرِ چنین است، چه تدبیر کنم؟

تفسیر فال

برای حل مشکلات خود، به نظر می‌رسد که هیچ تدبیری اتخاذ نمی‌کنید. در حالی که دستانتان به دعا بلند نمی‌شود، هیچ اقدام عملی نیز برای تغییر وضعیت کنونی انجام نمی‌دهید. به این ترتیب، فرصت‌هایی برای جبران و اصلاح مشکلات از دست می‌رود. لیکن باید بدانید که مشکلات شما تنها زمانی حل می‌شوند که عزم و اراده‌ای قوی داشته باشید و دل خود را از کینه‌ها و افکار منفی پاک کنید؛ همچنین نباید ایمان و امید خود را در این مسیر از دست بدهید. به سخنان کسانی که قصد دارند شما را به سمت راه‌های نادرست هدایت کنند، توجه نکنید. با تلاش و همت کافی، شما قادر خواهید بود بر چالش‌ها غلبه کنید و موفقیت را برای خود به ارمغان بیاورید.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)